

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

ذره بین

تاسیس شرکت های جدید و استخدام منشی های جدید
مدیر شرکت کاغذی ۱۰۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرد

شهروند | امرود فریبکار با تاسیس چند شرکت کاغذی دست به کلاهبرداری میلیاردی از طعمه هایش می زد. این متهم با تاسیس شرکت های صوری، از متقاضیان وام اسناد ملکی دریافت می کرد و با سوءاستفاده از این اسناد قانونی، از بانک های مختلف وام می گرفت، اما اقساط آن را پرداخت نمی کرد.

در پی راجع چند شکایت به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خصوص کلاهبرداری از شهروندان تحت عنوان پرداخت وام های چند ۱۰۰ میلیونی و میلیاردی، تیمی از مأموران این پایگاه، تحقیقات خود را در خصوص شناسایی متهم اصلی پرونده آغاز کردند.

در تحقیقات انجام شده مشخص شد این متهم یکی از کلاهبرداران حرفه ای است که با تاسیس چند شرکت جعلی و کاغذی و انتشار آگهی در بخش نیازمندی روزنامه های کثیرالانتشار و فضای مجازی همچون تلگرام و گوگل، اقدام به انتشار آگهی های تبلیغاتی مبنی بر تخصیص وام های کلان کرده و زمانی که شهروندان به این شرکت ها مراجعه می کردند، با منشی هایی که استفاده کرده بود بدون انجام هرگونه ملاقات حضوری با مالباختگان به درخواست آنها برای دریافت وام رسیدگی می کرد و با تنظیم مبیعه نامه صوری برای سند های ملکی چند میلیاردی، وام به متقاضیان پرداخت و به آنها اعلام می کرد که سال آینده برای بازپرداخت وام خود به شرکت مراجعه کنند.

زمانی که متقاضیان وام اسناد ملکی و مالی خود را در اختیار این متهم قرار می دادند، وی با استفاده از این اسناد به بانک های مختلف مراجعه و با وثیقه قرار دادن این اسناد به عنوان ضمانت، وام های کلان بانکی دریافت می کرد، اما پس از پرداخت چند قسط، نهایتاً شرکت را تعطیل کرده و از محل متواری می شد و اقدام به تاسیس یک شرکت دیگر با عنوانی دیگر می کرده است.

با راجع پرونده به اداره ۱۴ پلیس آگاهی بررسی های تخصصی و فنی در این خصوص آغاز شد و ردی از این متهم به نام «حسن» ۳۴ ساله، در خیابان «لسون ماندلا» به دست آمد و پس از تعقیب و مراقبت های متعدد کارآگاهان اداره ۱۴ موفق شدند وی را دستگیر کنند.

متهم پس از دستگیری در تحقیقات انجام شده به کارآگاهان گفت که با تاسیس شرکت های مختلف صوری در نیازمندی روزنامه ها و فضای مجازی، آگهی اعطای وام به شهروندان منتشر کرده و زمانی که متقاضیان برای وام مراجعه می کردند، در قبال دریافت اسناد ملکی به آنها وام هایی با مبلغ (۷۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان) با بازپرداخت یکساله پرداخت می کرده و پس از آن با استفاده از اسناد متقاضیان وام، به بانک مراجعه و وام های چند میلیاردی می گرفته، اما پس از مدتی اقساط وام را در باقی رانداده و با منحل کردن شرکت صوری اش متواری می شده و از سوی بانک نامهای مبنی بر عدم پرداخت اقساط و به حراج گذاشتن ملک که متعلق به مالباختگان بوده است، برای مالک که از این متهم وام دریافت کرده بود، ارسال می شد.

این متهم هر بار پس از انحلال شرکت خود، شرکتی دیگر تاسیس کرده و با استفاده منشی های جدید اقدام به کلاهبرداری مجدد می کرد، با شناسایی حساب های مختلف بانکی متعلق به متهم و بررسی تراکنش مالی این حساب ها، برآورد اولیه در خصوص ارزش مالی این پرونده بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان محاسبه شده که با شناسایی تعدادی از شکات و مالباختگان، مبدأ اولیه بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان از این مبلغ (۱۰۰ میلیارد تومان) شناسایی شده و تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان در دستور کار قرار گرفته است.

سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر از تمامی شهروندانی که به این شیوه و شگرود و تحت عنوان شرکت جامع هدف دار مورد کلاهبرداری قرار گرفتند، دعوت کرد جهت طرح و پیگیری شکایات خود به نشانی اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند



گفت و گوی «شهروند» با خانواده قربانیان کشتی نفتکش که سال گذشته در دریای چین غرق شد

اندوه «کارن» در یک سالگی داغ سانچی



مگر محمد و دیگران زنده می شوند؛ ضمن این که برای ما سوال است که خدمه آن کشتی چطور توانسته بودند در آن شرایط از لحظه برخورد و آتش گرفتن سانچی فیلمبرداری کنند. «این مادر جوان حالا یک غم دیگر هم دارد و آن توضیح دادن ایسن اتفاق تلخ برای «کارن» است. پسر ۷ ساله ای که حالا نبود پدر را بیشتر از قبل در کم می کند: «همی دانم چطور باید این همه داستان و ماجرای تلخ را برای او تعریف کنم. امسال که به مدرسه رفت چیزهایی متوجه شد، یعنی فهمید که پدرش کجا و چگونه جان باخته، چند روز قبل به من می گفت دوست دار دوستی بزرگ شد و سیله ای بسازد تا با آن کشتی پدرش و دوستان او را از ته دریا بالا بکشد.»

داغ افزون

اما سانچی، آن غول عظیم آهنی در بین خدمه اش یک زوج جوان را هم با خود به زیر آب برد. حسین جهانی و ساقی فعال، زن و شوهر جوانی که در این سفر با هم همراه شدند. حسین افسر دوم این نفتکش بود و براساس قوانین، در جهدارانی می توانست همسرشان را با خود همراه کنند. ساقی هم دوست داشت که در این سفر چندماهه کنار همسرش باشد. همین هم شد تا ما بیشتر از بقیه خانواده ها عزادار باشیم. ما دو نفر از عزیزانمان را در این حادثه از دست دادیم. اینها را پدر حسین به «شهروند» می گوید؛ پدری دلننگ که هر چند سعی کرده به نبودن پسر و عرووش عادت کند، اما باز هم یادآوری حوادث تلخ آن روزها او را اذیت می کند: «روزهای سختی بود. ما هیچ دسترسی به آنها نداشتیم. فقط منتظر خبر بودیم. هر کسی چیزی می گفت، تلفن من مدام زنگ می خورد. نمی دانستم باید چه کار کنم. هم برای حسین و هم برای ساقی نگران بودم. آن روز که کشتی غرق شد، خشمم زد، خیلی سعی کردم که به خودم مسلط باشم، اما جاهایی واقعاً کم می آوردم. به هر حال، این هم تقدیر بود. نمی شود با تقدیر جنگید. الان یکسال است که حسین وساقی بین مانسیندند، باید پذیرفت. شغل حسین و همکارانش هم این خطرات را دارد. هر کاری خطرات خاص خودش را دارد. تا الان چند خلبان کشته شده اند؛ خب کار آنها هم خطرناک است. باید به نبودن حسین عادت کنیم.»

دوست دارم پدرم را از ته دریا بالا بکشم
هیچ کس چیزی را که می دید باور نداشت. نفتکش عظیم ایرانی مثل یک قایق چوبی در هم شکست و زیر آب رفت. کشتی سانچی پس از یک هفته سوختن در دل دریا غرق شد. روز یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۶ ساعت ۱۰:۳۰ صبح به وقت ایران تیم جست و جوی بندر شانگهای چین اعلام کرد که کشتی سانچی پس از یک هفته آتش سوزی به طور کامل غرق شد. دقایق سخت و عذاب آوری بود. ۲۹ خانواده ایرانی لحظه تلخ و داغ با عزیزانشان را از صفحه تلویزیون تماشایی کردند. سانچی آرام آرام در آب فرورفت و شعله های آتش این نفتکش خاموش شد؛ درست مثل خاموش شدن نور امید ۲۹ خانواده که عزیزانشان را در سانچی از دست دادند؛ خانواده هایی که با گذشت یکسال از آن حادثه هنوز هم مرگ آنها را باور ندارند. حتی همان سه خانواده ای که پیکر عزیزانشان به ایران بازگردانده شد هم رفتن آنها را نپذیرفته اند؛ درست مثل همسر محمد کاووسی، افسر تدارکات سانچی: «هیچ کدام از ما ۲۹ خانواده هنوز هم باور نداریم که این اتفاقی افتاده، چون هیچ کدام از ما هیچ چیزی ندیدیم. حتی خود من هیچ چیزی از محمد را ندیدم؛ یک پاچه سفید همه چیزی بود که به من و دو خانواده دیگر نشان دادند و آنها را دفن کردیم. بقیه خانواده ها که همین را هم نداشتند.» این زن جوان درباره حال و هوای این روزهایش به «شهروند» می گوید: «دوباره همان نگرانی ها، آشفتگی، بی خبری، عذاب و دلهره همه این واژه ها نمی تواند حال آن روزهای ما را توصیف کند؛ الان هم به سالگرد آن حادثه رسیده ایم؛ همه این حس های بدو آزاردهنده دوباره تکرار شده است.» او ادامه می دهد: «برای من فقط علت این حادثه مهم است. اعلام کردند که کشتی فلان به چینی مقصر بوده است، اما این چه فایده ای دارد؛

رسیده بود، اما هنوز امیدهایی برای نجات وجود داشت. ۲۹ خانواده خدمه ایرانی همراه با یک ملت لحظه به لحظه خبرهای این حادثه را دنبال می کردند. پس از این حادثه رئیس جمهوری ایران دستور تشکیل کمیته ویژه رسیدگی حادثه نفتکش سانچی را صادر کرد که ریاست آن به عهده علی ربیعی وزیر کار و وقت قرار گرفت و او برای پیگیری وضع این کشتی به چین سفر کرد. اما حضور ربیعی در شانگهای یعنی نزدیک ترین فاصله ممکن با محل حادثه هم کمک چندانی نکرد. سانچی همچنان می سوخت و هیچ کس جرأت نزدیک شدن به آن را نداشت. درجه حرارت انفجارهای قریب الوقوع مانع اصلی عملیات نجات بود. وزیر کار سعی داشت به هر ترتیبی چینی ها را مجاب کند تا از عملیات دست نکشند. همزمان اما اخبار تأیید نشده ای از عدم همکاری چینی ها و کمبود امکانات حکایت داشت. اخباری که صحبت های مقامات ژاپنی و کره ای مبنی بر عدم درخواست کمک دولت چین برای امدادسانی هم به آن دامن می زد. شاید چینی ها متوجه شده بودند که دیگر برای نجات سانچی و سرنشینانش دیر است. باین حال مقامات ایرانی تصمیم گرفتند تا آخرین تلاش را برای دسترسی به این کشتی شعله ور انجام دهند. همین شد تا یک تیم عملیات ویژه از تکاوران و تفنگداران دریایی ارتش به چین اعزام شوند. ریسک بالای عملیات باعث شده بود تا چینی ها خودشان را کنار بکشند و اجازه دهند نیروهای ارتش در آب های سرزمینی شان این عملیات را انجام دهند. حضور تفنگداران زنده ایرانی در چین و انتشار تصاویر آنها خیلی ها را امیدوار کرد، اما درست همان روزی که قرار بود تکاوران ارتش با بالگرد به طرف سانچی حرکت کنند، چند انفجار مهیب در نفتکش آن رابه قعر دریا برد.

علت این حادثه هم اشتباه محاسباتی کشتی فله بر چینی در تعیین جهت حرکت اعلام شد. نظری که البته از سوی طرف های چینی و هنگ کنگی رد شد و آنها بخشی از تقصیر در آن حادثه را متوجه نفتکش ایرانی می دانند

رسیده بود، اما هنوز امیدهایی برای نجات وجود داشت. ۲۹ خانواده خدمه ایرانی همراه با یک ملت لحظه به لحظه خبرهای این حادثه را دنبال می کردند. پس از این حادثه رئیس جمهوری ایران دستور تشکیل کمیته ویژه رسیدگی حادثه نفتکش سانچی را صادر کرد که ریاست آن به عهده علی ربیعی وزیر کار و وقت قرار گرفت و او برای پیگیری وضع این کشتی به چین سفر کرد. اما حضور ربیعی در شانگهای یعنی نزدیک ترین فاصله ممکن با محل حادثه هم کمک چندانی نکرد. سانچی همچنان می سوخت و هیچ کس جرأت نزدیک شدن به آن را نداشت. درجه حرارت انفجارهای قریب الوقوع مانع اصلی عملیات نجات بود. وزیر کار سعی داشت به هر ترتیبی چینی ها را مجاب کند تا از عملیات دست نکشند. همزمان اما اخبار تأیید نشده ای از عدم همکاری چینی ها و کمبود امکانات حکایت داشت. اخباری که صحبت های مقامات ژاپنی و کره ای مبنی بر عدم درخواست کمک دولت چین برای امدادسانی هم به آن دامن می زد. شاید چینی ها متوجه شده بودند که دیگر برای نجات سانچی و سرنشینانش دیر است. باین حال مقامات ایرانی تصمیم گرفتند تا آخرین تلاش را برای دسترسی به این کشتی شعله ور انجام دهند. همین شد تا یک تیم عملیات ویژه از تکاوران و تفنگداران دریایی ارتش به چین اعزام شوند. ریسک بالای عملیات باعث شده بود تا چینی ها خودشان را کنار بکشند و اجازه دهند نیروهای ارتش در آب های سرزمینی شان این عملیات را انجام دهند. حضور تفنگداران زنده ایرانی در چین و انتشار تصاویر آنها خیلی ها را امیدوار کرد، اما درست همان روزی که قرار بود تکاوران ارتش با بالگرد به طرف سانچی حرکت کنند، چند انفجار مهیب در نفتکش آن رابه قعر دریا برد.

برای امدادسانی هم به آن دامن می زد. شاید چینی ها متوجه شده بودند که دیگر برای نجات سانچی و سرنشینانش دیر است. باین حال مقامات ایرانی تصمیم گرفتند تا آخرین تلاش را برای دسترسی به این کشتی شعله ور انجام دهند. همین شد تا یک تیم عملیات ویژه از تکاوران و تفنگداران دریایی ارتش به چین اعزام شوند. ریسک بالای عملیات باعث شده بود تا چینی ها خودشان را کنار بکشند و اجازه دهند نیروهای ارتش در آب های سرزمینی شان این عملیات را انجام دهند. حضور تفنگداران زنده ایرانی در چین و انتشار تصاویر آنها خیلی ها را امیدوار کرد، اما درست همان روزی که قرار بود تکاوران ارتش با بالگرد به طرف سانچی حرکت کنند، چند انفجار مهیب در نفتکش آن رابه قعر دریا برد.

شهروند | سال گذشته در چنین روزی بود که خبری از هزاران کیلومتر دورتر از ایران یک ملت رانگران کرد؛ آتش گرفتن نفتکش «سانچی» با ۳۲ خدمه. نفتکش ایرانی با ۱۳۶ هزار تن نفت سبک و میعانات گازی در اثر برخورد با کشتی فله بر چینی دچار این حادثه شد. «گریستال» نام کشتی چینی بود که پس از این برخورد مسیرش را به سمت بندر شانگهای چین ادامه داد، اما این سانچی و خدمه اش بودند که در دل دریای چین در فاصله ۳۰۰ کیلومتری با ساحل در میان شعله های دود و آتش تنها ماندند و در نهایت با وجود تلاش انجام گرفته این نفتکش در دریای چین غرق شد. در این حادثه همه ۳۲ سرنشین سانچی جان باختند و تنها یک پیکر سه نفر از آنها به وطن بازگردانده شد. اما علت این حادثه هم اشتباه محاسباتی کشتی فله بر چینی در تعیین جهت حرکت اعلام شد. نظری که البته از سوی طرف های چینی و هنگ کنگی رد شد و آنها بخشی از تقصیر در آن حادثه را متوجه نفتکش ایرانی می دانند. هر چند سازمان بنادر و دریانوردی همه طرف ها در این حادثه بر بی توجهی هر دو کشتی در رعایت قوانین جلوگیری از تصادف دریایی توافق دارند.

به دنبال وقوع ایسن حادثه تیم های مختلف امدادی به محل حائه اعزام شدند. کشتی های آب پاش، بالگرد های امدادی و غواص و آتش نشان از دریا و هوا و از سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی خودشان را به محل حادثه رساندند. تلاش ها برای مهار آتش و دسترسی به داخل کشتی شروع شد، اما حجم بالای آتش و انفجار های پی در پی در قسمت های مختلف ایسن نفتکش ۲۷۴ متری عملا دسترسی و امدادسانی به سرنشینان آن را غیرممکن کرده بود. هیچ کس از سر نوشت ۳۲ خدمه این نفتکش اطلاعی نداشت، تا این که در نهایت یک تیم عملیات ویژه چینی برای دقایقی روی عرشه این نفتکش عظیم فرود آمدند و در همان مدت کوتاه موفق شدند پیکر بی جان سه خدمه این نفتکش را خارج کنند. بعد از آن عملیات شعله های آتش بلندتر از قبل زبانه کشید. انفجارها بیشتر شد و تقریباً همه ابرای دسترسی به سانچی به صفر

سرویس مدرسه مجوز نداشت

عدم رعایت حق تقدم، چهار دانش آموز را مصدوم کرد

شهروند | چهار دانش آموز پس از تصادف سرویس مدرسه با یک خودروی نیسان راهی بیمارستان شدند. این دانش آموزان بین ۱۳ تا ۱۵ سال دارند که به همراه راننده سرویس مجروح و در بیمارستان بستری شده اند. این در حالی است که علت این حادثه بی احتیاطی راننده سرویس و عدم رعایت حق تقدم از سوی او مشخص شده است.

پیمان صابریان، رئیس سازمان اورژانس تهران درباره جزئیات این حادثه گفت: «ساعت ۷:۳۰ صبح روز شنبه تصادف یک دستگاه ون و نیسان به اورژانس تهران اعلام شد. بلافاصله دو دستگاه آمبولانس به محل حادثه در خیابان خزانه بخارایی، روبه روی خروجی ترمینال جنوب اعزام شدند.» وی با اشاره به این که خودروی ون سرویس دانش آموزان بود، گفت: «عوامل اورژانس بلافاصله بعد از رسیدن به محل حادثه

قائلی که برای اجرای حکم اعدام، پای چوبه دار رفته بود، پیش از اجرای حکم قصاص در زندان مرکزی بخونود بخشیده شد و از اعدام نجات یافت. مرد ۴۷ ساله محکوم به قصاص نفس پس از ۸ سال تحمل حبس در زندان مرکزی بخونورد و تأیید حکم قصاصش در دیوان عالی کشور، نهایتاًصبح سیزدهمین روز از دی ماه و پس از طی مراحل قانونی اجرای حکم در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت، اما این بار هم تلاش ها و اهتمام معتمدین محلی، کمیته صلح و سازش زندان و مسئولان قضائی استان در راستای اخذ رضایت از شکات و ترغیب آنها به عفو و گذشت بی پاسخ نماند و نهایتاً اولیای دم قاتل پدر خود را مورد عفو و بخشش قرار دادند و از اجرای حکم قصاص گذشت کردند.

بخش قاتل پای چوبه دار

زندگی مجرمان دو پرونده در یک خانه

قاتل فراری، هنگام دستگیری هم خانه قاتلش بازداشت شد

شهروند | زندگی مخفیانه دو قاتل در کنار هم، کار ماموران پلیس را راحت تر کرد. کار آگاهان جنایی درست هنگام دستگیری یک قاتل فراری در گرمسار، متوجه شدند که هم خانه اش نیز به اتهام قتل تعقیب پلیس است. بنابراین عاملان جنایت در دو پرونده جداگانه همزمان با هم دستگیر شدند. ظهر روز پنجشنبه بود که ماموران پلیس با پیدا کردن سرنخی از یک قاتل، برای دستگیری وی راهی گرمسار شدند. مرد جوانی که در مسیر شرق به غرب بزرگراه آزادگان، با تیراندازی های پی در پی مردی را به قتل رساند. این مرد ساعت ۱۶:۲۰ روز ۱۶ آبان ماه امسال، با انگیزه نامعلوم پس از قرار گذاشتن با مقتول در اتوبان آزادگان از خودروی ۲۰۷ خود پایین آمده و به سمت مقتول شلیک کرده بود. بعد از این جنایت، ماموران پلیس به دستور سجاد منافی آذر، بازپرس ویژه قتل، تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل آغاز کردند. ردزنی هادر این خصوص ادامه داشت تا این که در نهایت پلیس متوجه شد که قاتل در خانه ای در گرمسار زندگی می کند. بنابراین عملیات دستگیری این مرد جوان از سوی پلیس آغاز شد و

ظهر روز پنجشنبه بعد از گذشت دو ماه از جنایت، ماموران به مخفیگاه وی رسیدند. مرد جوان در حالی که غافلگیر شده بود، بازداشت شد. این در حالی بود که مرد دیگری هم در خانه قاتل زندگی می کرد و ماموران در بررسی سوابق وی، توانستند گروه یک پرونده جنایی دیگر را هم باز کنند. تجسس ها و بررسی ها نشان داد که هم خانه قاتل، خودش از اسفندماه سال گذشته به اتهام جنایت تحت تعقیب پلیس آگاهی پایتخت بوده است. بنابراین او نیز دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت. طبق تحقیقات، این مرد جوان ششم اسفندماه سال ۹۶ در ابراهیم آباد یافت آباد، پسر عموی خود را در مقابل یک قهوه خانه به قتل رسانده بود. این دو پسر عمو با هم در کار خرید و فروش موادمخدر بودند که روز حادثه پس از درگیری بین آنها، قاتل با ضربات چاقو پسر عموی خود را به قتل می رساند و پس از آن نیز متواری می شود. اواز همان زمان تحت تعقیب پلیس بود و از آنجایی که ردی از خودش به جا نگذاشته بود، کار آگاهان موفق به دستگیری وی نشده بودند، اما هم خانه شدن این مرد با یک قاتل او را به دام انداخت.